

کودکان ۵۰ تا هشتاد ۸۰ سال

نویسنده: عباس سرجوقیان

سرشناسه	: سرجوقیان، عباس
عنوان و نام پدیدآور	: کودکان ۵۰ تا ۸۰ سال / نویسنده عباس سرجوقیان.
مشخصات نشر	: اصفهان: سلام سپاهان، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۶۴ ص: ۲۱.۵ × ۱۴.۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۸-۳۳۴-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: پیری — ایران
موضوع	: Iran — Aging
موضوع	: راه و رسم زندگی
موضوع	: Conduct of life
موضوع	: طول عمر مفید
موضوع	: Life span, Productive
رده بندی کده	: ۹۱۳۹۷ ک۴س/۱۰۶۱ HQ
رده بندی دیوید	: ۳۰۵/۲۶۰۹۵۵
شماره کتابشناسی	: ۵۴۹۵۰۵۰

انشارات سلام سپاهان

بسم الله الرحمن الرحيم
تلفن ۰۹۱۳۳۰۳۹۵۸۹



کودکان ۵۰ تا ۸۰ سال

نویسنده: عباس سرجوقیان

تنظیم و صفحه‌آرا: اکرم شادانی‌فر

تعداد صفحه و سال چاپ: ۸۲ ص ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰

بهاء: ۲۵۰۰۰ تومان

پیشگفتار

نوشتن اینجانب عشق بازی با معشوق و معبود است. این چند روز و سالی که خود می داند چقدر است و ما را در این سفر و امتحان سرگرم داشته، اگر نه در حالی که ما حق را نمی شناسیم، حرف حق تلخ است، قرآن نمی خوانیم، با بزرگان جهانمار کشورمان برای درست زیستن ارتباط نمی گیریم و اهل عمل نیستیم و نمی صرفد که جزء صالحین باشیم. ما که باشیم که حرفی بزنیم و ما این میان چه سرگویییم، و چه کسی گوشش بدهکار این حرف هاست.

داغ بلندان طلب که هوشسد تشوکه از داغ بلندان بلند

چون صلاک وصل بشنیدن گرفت اندک آنکه درجه جنین گرفت

آن قدر میل او با هر یک تن است که او گوید او خدا که من است

کافرو مؤمن خدا گویند لیک

در میان هر دو فرقه هست نیک

آن خدا گوید خدا از بهر نان

متقی گوید خدا از عین جان

یکی از بزرگترین آرزوهای قلبی اینجانب این است که هر چه زودتر و با شرایط مطلوب از این جمع جهانی پاک و مؤمن و درست که همه کارهایشان صحیح است بروم، چرا که شاید جای من بین این صالحان جهان نباشد، بین این انسانهای درستی که در تمام جهان مشغول صلح‌اند با یکدیگرند، در پُست و مقاماتشان، در مشاغلشان در علم و تجربیاتشان، در مال و اموالشان، در سن و سال و موقعیتشان و در اختیاراتشان همه هوای یکدیگر را دارند و نمی‌گذارند آب در دل یکدیگر تکان بخورد، به درستی و به حق با یکدیگر رفتار می‌کنند و نه کوچکترین اجحافی در حق کسی و نه کوچکترین حقی را از کسی و به بهترین و سادگی‌ترین و به حق‌ترین نحو وظایف را در مسئولیتشان نسبت به یکدیگر محبت دارند و شکر نعمت‌های خداوند را می‌دانند به طوری که قوی‌ترین دست‌آوردهای علمیشان و تفریحیشان و زیبایی و دارائی و تکنولوژی‌شان خالصانه و با بهترین شرایط در اختیار همه انسانها حتی در دور افتاده‌ترین مناطق دنیا قرار می‌گیرد و خلاصه همه جمعیت جهان مانند پاکان روزگار و پیامبران و دانشمندان و بزرگان و صالحان در کنار یکدیگر چون بهشت در روی زمین گذر عمر می‌کنند، به همین علت است که اینجانب علاقه چندانی به اینجا ندارم و ان شاء الله به صورتی که تمام همه کسانی که انتظاراتی از اینجانب داشته و دارند را در موقعیت راضی‌ترین دنیا قرار دهم.

از کوچکترین اجتماعات خانواده گرفته تا بستگان و محله و روستا و شهر و استان و کشور و قاره و جهان کلاً برابری و برادری و عدالت است و نه هیچ اختلافی و نه هیچ جنگی و نه رقابتی، حسادت، اجحافی، امانتی و خلاصه همه و همه خیرخواه یکدیگرند. هیچ فاصله طبقاتی خدا رو شکر وجود ندارد و همه از هر چه بخواهند در این عالم برایشان فراهم است، چرا که مدیران و

رئیسان و ثروتمندان و بزرگان جهان چنین می‌خواهند و من حقیقتاً شرمندۀ همه هستم که میلی به ماندن ندارم، چرا که حس می‌کنم در این جمع به این پاکی و صالحی و برحقّی جای من نادرست و دور از جان همهٔ انسانها احمق نیست.

گرز حال دل خبردار بگو

و نشان مختصر دار بگو

مرد را دانم ولی تا کوه دوست

راه اگر نزدیکتر دار بگو

۵۰ سال حماقت می‌کنم و بقیۀ عمر را به حماقت‌های آن پنجاه سال افتخار کرده و می‌بالیم.

کل عمرمان با حماقت تمام شده در پانصد علت‌های کشکی قیافه، مال، مقداری سواد و... و... فکر می‌کنم همسرمان بزرگ‌ترین شانس زندگی‌اش ما بوده‌ایم.

بزرگ‌ترین گناه ما خود بزرگ‌بینی است و بعد عمری در پند و نکبت و نخوری و گدازاری و خسیسی و خودخواهی و... و... به یک زن و یک ماشین و یک باغ رسیده‌ایم. حالا بیا و ببین از یک پادشاه بیشتر ادعای داریم و حرف مفت می‌زنیم و می‌خواهیم همه از ما بپرسند باید چه کنند و هدیه‌ها بجا بدهیم، نظر بیجا می‌دهیم و... و...

چهار ریال حقوق یا درآمدان از اطرافیان بیشتر باشد دیگر کسی را آدم حساب نمی‌کنیم. با غرور، زیر دستانمان و کسانی که می‌دانیم مقداری از خودمان پائین‌ترند را بدون آنکه بخواهند نصیحت می‌کنیم و خلاصه تو سر

همه می‌خواهیم بزنیم که چه خبر است. ما یکی دو پله بالاتریم آن هم فقط به لحاظ مالی.

شمار سالیانی که از عمر رفته دلیل بر بالغ بودن هیچ کس نیست. پدر همه را در خانواده و بستگان در می‌آوریم که عمری از ما گذشته. ریش سفید کرده‌ایم، نمی‌دانم ما این موها را در آسیاب سفید نکرده‌ایم و... و... و...

و بی‌نتیجه می‌خواهیم برای دیگران نتیجه‌ساز باشیم.

کسانی که مغزشان کار کند تا پایان عمر به درستی و به اندازه دلخواه کسب روزی شلال می‌کنند و لذت می‌برند و کسانی که فقط جسمشان کار می‌کند بعد از ۵۰ سال دیگر حوصله و توانی برایشان نمانده و کم‌کم میدان را ترک یا حضور و قیام کم رنگی یا بی‌رنگی ایفا می‌کنند که به درد هیچ کس هم نمی‌خورد.

عشق به هر چیز را داشته‌ها را از عشقی که باید داشته باشد و عمرش را نفهمیده که عشق چیست و موفقیت بی‌نیاز خود را نادان به دارایی بیشتر از اطرافیان در به در خود می‌بیند و خود را بهترین عاشق می‌داند.

این چگونه جهان‌بینی است که ما هنوز پس از هشتاد سال می‌ترسیم دست از دل تاریکمان برداریم و بخش ناچیزی از دارایی‌هایمان را برای لذت بردن خودمان برای خود یا فرزندان یا همسرمان هزینه کنیم تا خانه‌مان، خودرو و... و... و... باشد و ادعایمان هم از همه بیشتر است.

بسیاری را می‌بینیم که مثلاً پانصد میلیارد تومان سرمایه دارند و در مسئله‌ای با ضرر مثلاً پنج میلیارد، سگته‌ای زده و کل سرمایه و زن و فرزند و موقعیت را گذاشته و جهان را ترک می‌کنند.

در این دوره از کودکی بسیاری بازنشسته‌اند و وقت خود را با مطالعه و

اخبارهای گوناگون پر کرده و یادگیری آنان تازه باعث غرغر کردن و مزاحمت برای دیگران است و هیچ عمل مثبتی در راستای پیشرفت خانواده ندارند و به همه چیز و همه کس هم شک دارند.

گفت هر مردی که باشد بدگمان

نشود او راست را با صد نشان

هر روزی که خیال اندیش شد

چون دلیل آری خیالش بیش شد

چنان به سختی، بدبختی باید کار کنیم تا بتوانیم تجهیزات فهمیدگی فرزندانمان را تهیه و در اختیارشان بگذاریم و پس از چندی که فهمیده شدند ما را نفهم خطاب می کنند، این هم یکی از فهمیدگی های ما کودکان بزرگسال و سالخورده است.

چون معلم بود عقلش مرد را

بعد از آن شد عقلش شاکر را

عقل چون جبرئیل گوید احدا

گریکے گلمے نهيم، هفتم را

تومرا بگذار و زین پس پیش ران

حد من این بود که سلطان جان

چون نباشد نور دل، دل نیست آن

چون نباشد روح، جز گل نیست آن

سال هایی که دیگر حدس می زنیم باید سال های آخر عمرمان باشد تازه به فکر درست شدن می افتیم و ادای انسان های درست و بلف ان یک درصد